آذر

سال دوم ـ شماره ۱۸۱ — صبح سه شنبه ۳۱ مرداد ماه ۱۳۲۳ — تک شماره یکریال و نیم

• برای اشتراک •

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوائر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

برای آگهیها بادفتر اداره است

برای ادارهٔ: (خیابان لاله‌زار ـ پاساژ نو)

دارندهٔ امتیاز و مدیر مسئول
ج. پشیوری

آذر روزهای یکشنبه ـ دوشنبه ـ پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

فردا شهر تبریز بمناسبت چهلمین روز

قتل عام کارگران مرا خواهد گرفت

کارگران غیور آذربایجان و بازماندگان مقتولین را تسلیت گفته قول شرافت میدهیم تا آخرین قطره خون خود برای گرفتن انتقام آنها مبارزه نمائیم.

کارگران آذربایجان باید بدانند که خون آنها بواسطه اتحاد و یگانگی است که میتوانند این انتقام را عملی بکنند.

جواب قاتلین کارگران مشت گره کردهٔ رفقای زنده آنها است.

مرگ بر جلادان پنجشنبه خونین! مرگ بر عناصر فاسدی که این بساط خونین را راه انداختند! زنده باد وحدت و یگانگی کارگران ایران!

صد کلمه راجع به ناسزاهای آقای محمد مسعود

انتقاد دوستانه از مرد امروز

ما میل نداشتیم هنگامیکه عناصر ارتجاعی برای خفه کردن مطبوعات کمر بستند میدان شدیدترین مبارزات قدم گذاشته‌اند بفحش‌گیری و انتقاد همکاران خود بپردازیم.

آنهائیکه درچنین سالیانه سازمان جبهه آزادی عضو داشتند و آنهائی که نطق مفصل مدیر این روزنامه را شنیدند یا تفصیل آزاد و روزنامه‌ها مطالعه کرده‌اند میدانند که هیئت تحریریه روزنامه آذر حتی از روزنامه‌هائیکه در انتقاد و بد گوئی سخت‌ترین عبارات و تلخ‌ترین کلمات را بکار میبرند ازروی منطق و دلیل خودداری کرده باذکر علل اجتماعی آنها سعی کرده‌است در مقابل دشمنان آزادی مطبوعات ایستادگی بکنند. حتی من که دارم امروز با کمال تاسف این سطور را مینگارم ـ بیست و سه سال پیش در روزنامه حقیقت (زیر عنوان: حقیقت فحش و هتاکی) مقاله مفصلی نوشته ثابت کرده ام که فحاشی و هتاکی بهانه‌ایست که مرتجعین و دزدان و خیانتکاران از آن سر علیه آزادی مطبوعات سوء استفاده کرده میخواهند با هو کردن تو بسند گان روی جنایت و خیانت های خود را بپوشانند.

در آنجا من بطور صریح نوشته ام اگر روزنامه‌ها اشخاص معین را تلاقی دزد و خائن معرفی میکنند این را نباید فحش و ناسزا شمرد این حقیقت دارد و روزنامه نویس نه تواند به بیند بشود بفهمد و نوبسد.

این مقاله هنوز هست خوشبختانه ما تمام جدیتی که پلیس رضاخان برای از بین بردن آثار ما و سایر آزادیخواهان داشت کتابخانه دولتی را فراموش کرده بکسوره از آن در آنجا باقی مانده امروز هر کسی بخواهد میتواند بآنجا مراجعه کرده و آنرا بخواند و نظر اساسی ما را درباره فحش و هتاکی بطور مشروح و مفصل درک بکند. ما در آنجا گفته ایم که شهروندکار های خلاف قانونی مال دولت را نباید فحش و هتاکی دانست.

برای از بین بردن کلمات زشت باید از بدکاری و خیانتکاران جلوگیری نمود. و نیز نوشتیم که دولت و دادستان ما بدون قبول اتهامات را ترتیب نداده دزد و خیانت کاران را طبق قانون برای میز محاکمه کشیده دوائر دولتی را از وجود آنها پاك بکنند. اگر نویسنده افترا و تهمت زده باشد آنهم باید مجازات بشود. این عقیده امروز هم تغییر نداده‌ایم.

ولی امروز یک عنانه یکی از همکاران ما آقای محمد مسعود بر خلاف انتظار در این کار سخت افراط میکند شماره گذشته مرد امروز چقدر من زشت ترین تهمته از فحاشی و هتاکی بود که تا بحال نوشته شده است انتقاد و سرزنش آنها چیز خوبی است ولی فحش عرض و ناموس آنهم در صفحه روزنامه کار بسیار ناشایستی می‌باشد.

گیرم آقای مسعود نمیدانم قوانین یک آدم بدی است خبط و سلاف و خیانت و سوء استفاده های زیادی هم کرده قابل سرزنش و توبیخ و کیفر هم هم می باشد.

کسان و منسوبین او نیز باید مورد انتقاد بیرحمانه واقع شوند. زن و فرزند و اقوام که مسئول گناه پدر ها نیستند.

اگر قوانین حکومت نظامی بود من این مقاله را نمینوشتم تا آقای مسعود خیال نکنند من تملق میگویم و خودشان هم میدانند که من آدم متملق نیستم و احتیاج ندارم امتیازاتی را که در این راه داده ام در اینجا تکرار بکنم.

نه غیر دوست عزیزم پرتند میرود قدری بایستید به بینم حرف حسابی شما چیست تنها بقاضی نروید ـ شما چه می خواهید؟ چه حق دارید هرچه دهنتان بیاید بگوئید؟ اصلا شما چکاره اید؟ از کجا پیدا شده برای این کشور چه کرده اید؟ چه مزیتی بدیگران دارید؟

بایستید به بینم چه راهی پیشنهاد میکنید؟ چه میخواهید؟ به کلمات بد گفتن که هنر نیست. ما هم تصدیق می کنیم که ملت ما عقب مانده است. ما هم تصدیق میکنیم خون مردم را میکیده وعقل برایش باقی نگذاشته اند. ما هم قبول داریم که میان زمامداران ما اشخاص نالایق زیاد است ما همه اینهارا قبول داریم ولی راهی که شما نشان میدهید کدام است بلهویا و جلو و چطور که نمیشد مملکت را آباد کرد ملت را از سفالت و بدبختی نجات داد شما که در مقابل تهدید حکومت نظامی زور و توانائی ندارید از خود دفاع بکنید شما که پشت سرتان ابروی نیست شما که خودتان هم بدانید توپ و تشرهایتان خالی است شما که شهامت آنرا ندارید از خودتان دفاع بکنید. ما در مقابل نوشته خود در محکمه پرحکومت نظامی در شهربانی حاضر شده به چهار روز بازداشت تحمل کنید چه بشما که بیسواد و دو هزار فحش عرض و ناموس داده و بچه‌ئی که هزار بار توهین و تحقیر نموده اید پناه میبرید.

بیائید وصف شما حق ندارید بی هوده رجز خوانی کرده آبروی تمام روزنامه نگاران را ببرید

بایستید اول از آما شروع بکنیم بفرمائید با کدام پول باروپا رفتید؟ در زمان که پادشاه ده پاشویه که برای تحصیل فرستاده شدید.

مگر غیر از شما کس دیگر نبود چرا شخص شما را انتخاب کردند.

پولی که از خزینه دولت میگرفتید مگر از آن خزینه دولت میگرفتید و اصفهان کرنه اند.

ما در کارهای داور هم خیلی حرف داریم اگر زنده بود مملو نبود همین خود شما جفتر باو فحش میدادید. ما خوب نمیدانیم که آدم نوذی نبود. ولی فقیر که او تحکیم سلطنت رضا خان بازی کرد قابل عفو و اغماض نیست.

دیگر تمام خرابی سیاست اینکه امروز پایدار است و بواسطه آن بعز مردم را در میاورند غیر از معدود دستهای تبهکار او است داور امروز مرده کسی هم با او کار ندارد ولی تاریخ ایران مگر ممکن است کار های حق ـ شکنانه ایرا که این مرد جاه طلب کرده است فراموش بکند.

مگر داور در تمام جنایت کاری های شاه سا تی شریك نبوده حالا بشخص آقا یك خوبی کرده باشد چه مربوط بحساب است و در کسی است که بباید بالاخره کارهائی او برای مردم روشن بشود اگر خواهید ورما تبرئه بکنیم از رضاخان را تبرئه کردیم قدا از بحث در این موضوع صرف نظر سوده بخود شما میپردازیم

بالاخره این ملت نالایق شخص شما بدی نکرده است. شما برای او چه کرده اید؟

اصلا چه کاری از دستتان برمی آید.

حالا هم چکار میخواهید بکنید؟

هدفتان کدامست؟ باچه وسیله از چه راه یا کدام توانائی می خواهید این ملت بی حال و بی قید را مطابق سابقه خودتان تربیت بکنید.

مردمی که در مبارزه طولانی پدرشان درآمده جان کنده، قربانی داده زحمت کشیده وی مسلك و عقیده روشن و معین خود فدا کاری ها و جانفشانی ها کرده‌اند هزار بار جزو ولی شما را ندارند

چه غیر شما از خود راضیگری هم اندازه دارد؟

کجا میروید؟

ما دشمن شما نیستیم خودتان هم می دانید که کوچکترین غرض خصوصی نسبت بشما نداریم ولی رفتار شما طوری است که ای توانیم آنرا با خونسردی استقبال بکنیم شما دیگر چنین خصوصی را از دست داده اید.

ضرر رفتارتان بعموم میرسد و باید بدست دشمنان آزادی بهانه می‌دهید

خودتان درمیان متملقین و ریاکاران گم شده اید

این روش شما را در انظار عمومی یك نویسنده شانتاژ است و شارلاتان معرفی میکند در صورتیکه فطرتا بطور نیستید و برای اداره یك روزنامه آبرومندی کمال لیاقت را دارید.

ناچار بطور صریح شما بگویم اغلب اشخاص بی طرف و بی غرض نسبت بشما ظانین شده اند و این را در همه‌ها می‌توانید بشنوید اگر چوارتار دوست صمیمی داشتید تابحال شما را از عاقبت این راه مطلع می کردند. میگویند شما عمدا دامنه و فهمیده این کار را بوسیله آزادی مطبوعات را از بین ببرید. ولی من شخصا شما را این قدر پست نمی دانم تصور میکنم روزی پای تان بوست خربزه نخواهند میخواهند سرنگونتان بکنند و آبروی تان را ببرند این بدبختی بسیار بزرگی است اقلم توانای شما را براه غلط کشانده این خود خیانتی است که بادبیات معاصر میکنند

بقیه در صفحه ٤

چه چیز در ایران بچشم میزند؟

مجله ای بنگاه را میخواندم همیشه آنچه که واجع سازمان نوشته شده باشد رود از مطالب دیگر جلب توجه مرا می کند این یك غریزه طبیعی است.

در مجله مزبور عنوان «مسافرت در ایران» شکوای مرا تحریك کرد زن هر پیشه سرتاسر ایران را پیموده است «مایت او سالم او مقصد ومقصود او» برای من و نه برای شما و نه برای مطبوعات این مقال اهمیتی نداد.

آمدن رفت وکاری داشت وکاری بکسی نداشت. باشتاب ایران را سیر کرد. مغز او مانند یك دوربین عکاسی مانند یك صفحه مغز وقادار زندگی وضع ملوا ثبت کرد. چیزی که برای ما گرانبهاست این صحبت است. آن تاثیری است که وضع کشور ما درمغزاو های گذاشت. زیرا او حقایق واقعیات را ثبت کرد نه مقاومت. مقاومت باماست او ضمن مطالب دیگری که بموضوع این عناصر مربوط نیست چنین مینویسد

«... درطهران وسایط نقلیه بسیاری درسیر وحرکت است. دوسیار ها بهترین سیستم های اتومبیل امریکائی در ردیف الاغ وشتر دیده میشود طهران تراموای برقی ندارد. اغلب در اتومبیلهای سواری چهار نفری تا ده نفرهم مینشینند مردم توی کوچه متنوع و رنگارنگند.

درهیچ شهری من چنین مجموعی از ملل متنوعه ندیدم. «ایرانیان وامریکائیان وارمنیان وانگلیسی ها وروسها و فرانسویان و یهودیان ونازیان و اسلاویان و هندیان ازهر سو روانند.

نظامی خیلی زیاد است بوژه سربازان هندی باتنوار های کوتاه و عمامه شایان توجه میباشد. زنان چادر بسر می گردانند ونیمی از صورت رامی پوشانند. مرکز تهران کاملا بیك شهر اروپائی شبیه است. خیابانها وسیع و پاکیزه و آسفالت میباشند. معماری خانه‌ها بقضا اروپائی است. ولی اکثر خانه‌ها بطرز شرقی ساخته شده کاشیکاری و حیاطهای داخلی وستور و باغچه وحوض وفواره دراغلب آنها دیده میشود.

جوبهای کنار خیابان هابسیار کثیف است. مغازه‌ها باتور خیره کننده روشن میشود ومملو از پارچه های الوان ایرانی وفالیچه ولوازم وزینت آلات نقره است. در کوچه‌ها کمتر زیاد است وچیزی که بچشم میزند وباعث تعجب ما می گردد نبودن بیکران بیسی وفقر بی‌اندازه دیگران است....

ماعادات کوچه‌را که علی رغم کوشش ایران مترقی هنوز دراین کشور جریان دارد دیدیم. درشهر گرگان جمعی را دیدیم که بسرعت حرکت میکردند وفریاد میزدند وچیزی میبردند مانند کار رفتیم جمعیت از کنار ما گذشت و بدن خون آلودی را بروی تختهای گذاشته و روی دست حمل میکردند بما گفتند که این شخص برای قبه‌زدن مرده است و اکنون جزو مقدسین گشته.»

بس است. اگر این هنر پیشه قدری دیدتر بایران می آمد بان مشاهدات خود چیزهای دیگری نیز می افزود.

می‌نوشت: مدارس دختران را می‌بندند. یهودی هارا کتك می زنند. بعنوان منشف رهبرا حلوی زن واطفالشان تکانکه میکنند

ایلات چادر نشین ادعای استقلال میکنند. ایران میرود یك اصلاح جغرافیائی پیش نگیرد..... و آقای سید ضیاء الدین طباطبائی کم کم درد کار را بایران میرساند.

www.iran-archive.com

اینهمه ثروت از کجا بدست آمده؟

جناب سالارا آقای دکتر کشاورز دیرکی از اعلمان پارلمانی حفظ ملک مدتی نموده و سپس به بوشد شما و برادر مکرمتان ازیست و پنج سال پیش بصرف اینهمه ثروت را از کجا بدست آورده اید

من اگر بای منشه مدتی دیر بوده بشخت اشاره نمی کرده ولی میگفتم بهر وماده و اجداد من مقبول ومالک بوده اند زیرا مشتم مورا باز مشه وگرگ دست همشیره بیاورمانند شما گدا گری نمی نمایند واقبال آمدن طهران بکیاد دیگر برخم بکشند ویکوبدیت هر بزاری بدیم مال اختیاری بیش نبوده — مرحوم پدرم هم گه هرگز چنین دامه نداشت زیرا در دوزانی میزیست که مواجه با بفود امثال ناطم الماء ماه وسف الموالیوسف پدرامین هم گه همه میدانند درسنه مرا جمعر خان وزیری ناهیانی میکرد در این صورت حتی یک پشت خود هم روح نکرده چیزی نمیگفتم همینقدر باقای دکتر کشاورز جواب میدادم آقای دکتر کوارز فرمنا که شما دانستید من و برادرهایم از کجا اینهمه ثروت آورده اید در آن صورت چه عملی میتوانستید بنمائید انجام دهید . آیا حرف آنرا داشته و دارید که ثروت وداراتی ما نمیگفتند ناطرف آنرا در خود سراغ میدادید . نه سهام شرکت پاالمتاد مالکیمان را از اعتبار قانونی بیندازید شما جوان های تازه بمجلس رسیده که علاقه ملکی درحوزه وکالتی به رعیت های که دستان را بوسند نه سرمایه های در بنکر تجارتخانه ها بولی در بانک . نه سهامی در شرکت نه نفته نی دراز دیاد ثروت . نه فکری برای افزایش مستغلات ومستغرات خود دارند چه حق دارائی واثاثه خانه های چندین ساله مارا تعطیل مینمائید : آری مامالک وده وهستیم وخیلی هم مالکیم پرستان را از ملایری ها پاسخ بخواهید تا برای شما شرح دهند که خداوند تبارک وتعالی هیچ منتی بما و فامیل ما ندارد زیرا آنچه اندوخته ایم ازمال بندگانش است مگه ما که بدین وعرق جبین بدست آمده و همه رابانوی هزاران مظلوم تحمیل نموده ایم شما هنوز جوانید وما گیز سام بیدان آمده ایم آنوقتی که ماهفته ربودن ثروت حاجی حسین رضوی را طرح میکردیم درتنجه نابودشدن ایدر دتوانستیم دخترش وا بچاله نظام اخوی (احمد) درآوریم شما هنوز بکلاس اول ابتدائی هم وارد نشده بودید آن سالی که کتیرانی در کشتند وزنش را با تمام ثروتش تحویل دائی جان (امین) دادیم شما هنوز هوس وکالت مجلس را درخواب هم نمی دیدید

اوقاتی که ثروت خاندان عضدی جلب نظر میکرد و برای افزایش مستغرات خود در تلاش وصلت دیگری با این خانواده افتادیم شاهنوز باروپا نرفته بودید

آن سالی که شهردار ملایر را برای مرخوتن ملک خوشایش بما بنهاد نمیدیم یکردیم شما در اروپا مشغول درس خواندن بودید

آن تاریخی که عملیات مفاکه نکدان تبهسارا درلرستان پشت تریبون بین مجلس شوری مشروع جلوه میدادیم برای خود حامی گردن کلفتی تدارک یکردیم شما هنوز طفل بودید

آن سالی که داریجان وجوراب دو لک موفوه حاجی سیف الدوله از تصرف قف بیرون آورده وبنام ملک تقاضای ثبت میکردیم شاهنوز تحصیلاتتان در اروپا تمام نشده بود بلی آن روز های وش که مغول شما وجود منحوس رضا خانی وبقیه مالهپرین ادوارمشروطیت را مانوانستیم نه فقط چند دوره وکیل دریم بلکه همه ساله درپرتو اقتدار بندگان تبهسار و قدرت جبلی خودمان نوده را برجیب زده وده ریشها را برای اقوام وبستگان خود بدار نمائیم آن وقت ها که ما این دارا و جلال را بدست میاوردیم دکتر محمود هنوز ازدلب دریانه مدر فرو هنر ما بر نه اجتهاد برسده وتر خودرا نوشته بود اکنون کهاوهم قول شما رشوه ها مشغول وعان گردیده است ومدیر کل اداره پشه وهنر گردیده معلوم نیست چرا اینهمه ای مودبرجب دوره قصدی نوعاشی حمه میبرید اگر بدین سوی از خوان بهای این کشور بی صاحب قوه علم وکدری میخوردید ؛ شما هم اگر دکتر موفق شاش و مآل اندیش بودید بهتبیت از روش برادرم باقتصادیات شخصی توجه کرده درآنوقت چه استفاده ها که نمال برف وباران بجیب وپیل شما فرو نمی رفت من شما معتقد از قانون اقتصاد سیاسی وا لاعید چه بگویم که هیچ موجب نداشت حقوق دوروه کاشان را صرف فرهنگ وبهداری بندر پهلوی بنمائید شما هنوز گردده اید طی این زمان مؤسسه صناعتی برای وکالت دوره آینده تهیه خواهند در صورتیکه تامین این منظور راه جداگانه ای داشته وبایستی مثل ما را سرمشق خود قرار میدادید ما علی رغم منویات وانتظارات مردم برنامه دوائر وجریانات حوزه وکالتی خود چه هستم الساعه عینک خودرا بچشم زده به بینید دو ملایر کدام ادوار است بحث نظر ماهیست وکدام جریان است که روی محور منافع ما میگردد روش ما نیست وجز این نمیتواند باشد که هر ماموری بملایر بیاید مکلف است بما نزدیک شود وماهم او را در آغوش گرفته بادعوت های گرم ونوازش های کاهنی بخود مامورم هشته میشود وبخشدش کنیم دور غیر ایجورت با دوت های کاسه گری بحث وخواری برانیم شما تصور کردهاید باگفتن حلوا دهان شیرین میشود وانگاه مردم بدمو گرامی دردی اردردهای این کشوررا تا زمانی که ما مسلط براوضاع وجریانات عمومی هستیم دوا خواهد کرد ؛ ما در دوره پهلوی هر که را اراده کردیم بملایر فرستادیم و وظیفه مامور فقط سازش کارها و اجراء منویات ما بود در دورهٔ دموکراسی نیز اشهدیاش به فقط جزئی از اقتدار ما کاست بلکه بر اثر حضور طول عملیات ما افزود و شعاع فعالیتمان چندین برابر گردیدهمین دیروز بود که یاور وسنگار را بدون میل ورضای ما بملایر فرستادند وماپیدرنگ کوله بارش را بهمدان انتقال داده یاور دیگری را که نگهبان صاف مابود از کلهایکان بملایر برگردانیدم . هنوز پری نگذشته مگه روساء ژاندارمری ملایر را که مایل نبودند بامفاسد ما همکاری کنند اوسائلی مگه همیشه دردست داریم بکرمانشاه تغییر ماموریت دادیم مگر نمیدانید هرچمنبی مراز حزب توده دوملایر تشکیل یافته اعضاء آنرا منتسب بسون پنجم نموده دمار از دوده انشان درآوردیم حزب توده را دیدید عاقبت کارشان چه شد وچطور تاباوش را بزیر آورده زعمایشان را برای بار دوم بزندان سپردیم چطورما میتوانیم درتشکیل جمعیت وحزب خاصه حزب توده ساکت بنشیم در حالیکه تشکیلات این حزب عجالتا این اثر را بچشیده که غوغایی ما از دست بوس ما اظهار تنفر میکنند بهمین جهت بود که دو هفته قبل برای سازمان حزب حلقه سفری بملایر کرده دوستان و آشنایان واقوام وبستگان را درحلقه ارادات آقا وارد کردیم بدیهی است آقاهم برای اشغال شدن کرسی ریاست مجلس از طرف ما وظائف اخلاقی وهم مسلکی را جای خواهند آورد

بلی آقای دکتر کشاورز ما بسیاریم واحتیاجی به بخشش خودمو به بداری وفرهنگ نداریم ما میدانیم چه وقت باید طرفداران خودرا به تکرار خانه منصفین کنیم ما آگاهیم چه وقت چوران خودرا واداریم بمیرگ تکرار کنند فلان مامور دولت را نمی خواهیم یا فلانی ابقاء او را نداریم ما خوب میدانیم چه وقت ساکنین حوزه وکالت خود را باقیوب تحریک نموده بگوئیم اجامر واوباش به خانه های ما ریخته پنجره هایش را شکسته اند آن وقت چند سخن نظامی بستور تیمسار سپهبد احمدی برای پیشرفت انتخابات خودمان از خرم آباد بملایر بیاورید

ما دروسمان را خوب حاضریم و می دانیم چگونه بچه مان را در مدارس ادارات ومؤسسات پهن کرده قوه قضائیه را در کف اقتدار خود نگهبریم مگر نیست ثبت ملایر مدت یاما دروقعه وکالت بنوزبت دهمان مراهی کرد مگر همین رئیس ثبت نبود که وقتی بهمدان تبدیل یافت و چانتیش هم دراوشد برایش پیغام فرستادم اوجابت تکان نخورد تا ابلاغ اعتبارت را نفرستم وخدا می داند چه همه ها سوار کردم تامجددا برتاست ثبت ملایر باقی بماند .

آن زمانی که همین آقای فرح وزیر خواربار کشور بملایر آمده بدام نوبیده بود که تو وخواهرزاده هایت محتکر بود وزیری نمانده بود انبار های گندمیان تصرف شود دیدید چگونه رئیس خواربار را بیرون وجرد برتاب کرده گندمهارا بی دغدغه بفروش وسانیدیم

آن رئیس دارائی که باما راجع بتهمت گندم لج بازی میکرد و تهمات گذشته را مطالبه مینمود چنید باتهمت جعلی وبیشه مامورین ملایرش را کنده بکیاکش فرستادیم

آن ایامی که دادستان ملایر بما دهان کجی کرده میگفت هر کس رفتاری مخالف قانون بکند دست بد باو خواهم زد ملاحظه فرمودید چگونه او را به موطنش (کرمانشاه) روانه کردیم .

آن زمانی که رئیس عدلیه میخواست بقدرت قانونیش بتازد ومنافع ما را زیر پا بگذارد دیدید چه تلگرافها برعلیهش مخابره کردیم

آنروز هائی که رئیس فرهنگ می خواست همه را درامتحان سالیانه یکسان قرض نماید مشاهده کردید چگونه باو نهماندیم باید عزیز در دانه های ما را ممتاز از اطفال سایرین بشناسد آن ایامی که شهردار ملایر میخواست خواهرزاده بیگاره ام را از شهرداری اخراج کند شنیدید چگونه ابلاغ انتظار خدمتش را کف دستش گذاشتیم

آن روز کارهای سخت که کنیم و جو نایاب ومردم بی نواجلو چشم همه جان می دادند ملاحظه فرمودید که هر خروارش را کمتر از پنج شش هزار ریال نفروختیم .

بلی ما اینیم و همینیم که هستیم هم مالک رهم بازرگان هم معتمد محل هم رئیس انجمن هم برنده رهم دوزنده هم وکیل وصی و هم قیم محجوزین حوزه وکالت خودیم روح بازار دردست ما و عمال ماست همه قسم معاملات بایستی بمیل ورضایت ما انجام گیرد دائی ماصاحب کاروانسراست هرقسم کالای بی روی عامه درآنجا احتکار میشود و بهیچ بازرگانی حق نمی دهیم تازمانی که مجره خالی درآنجا یافت میشود مرکز دیگری برای بازرگانی خود بشناسد والا پیرش را لقمه خواهیم کرد باتمام این اوصاف چگونه راضی میشوید باتشکیل حزب توده وعایای ما را از خواب غفلت بیدار نمائید که بالنتیجه برخلاف منویات مامصف آرائی کنند دانیم اگر نتوانه برای دو دائه حاجی آباد وکالت نتوانه برای دو وعف از کسی بگیرد برایش چه رشته وایالتی قائل می توانیم بشویم ...من اگر ازهر جفت گاو درعوض هفت ریال یکعدد و پنجاه ریال نگیرم چگونه این رنوت هارا میتوانم روی هم انبار کنم مگر آقای سهام الملک مالک موقوفه جوزان درسال گذشته همین عمل را نکرد وهمین که زارعین جوزن بداد وبیداد برخاسته وآقای ملکی مدیرستاره خواست ازحقوق آنها دفاع کند بادکانی از زاندارم درجوزان ایجاد نکردوجند نفرزارع را درطویله نیانداخت وحبس نکرد ؛ چه چیز من ازسهام الملک کمتر است بلی آقای دکتر کشاورز اشتباهات جوانها بسیار است ازجمله اینکه تصور میکنند واقعا ملت ایران آزاد شده و میتوانند از این آزادی حسن استفاده کنند غافل ازاینکه حزب علقه وروز بروز جامعه متفقد وسرمایه دار کشور را که روح ورگ خراب این ملت پدر مرده در دست آنها است درحلقه سیاست ماهرانه میکشد وخواه ناخواه مخالفینش را مانند انار درهم خواهند فشرد نمونه این اقتدار اعتبار نامه های رفقایتان بود که دیدید چگونه یک یک را مالیدیم چنانچه باتمام این اوصاف خواهید بقدرت مانع در دهید حاضریم در موقع دیگری باشما مصاف دهیم

بروید از مصدقی وعبدالرحمن پارسا که دوغر کاندید حوزه تلاش بودند و آراء محتنابهی هم داشته اند بپرسید که در مصاف انتخابات چگونه فاتح شدیم و چه بروز گارشان آوردیم بروید ازشیخ میرزا آقای واعظ قزاقی بپرسید با چه رمل واصطرلابی توانستیم اورا بزندان افکنده از تبلیغاتی که برای بیداری مردم در اطراف آزادی انتخابات میدهد وجلو گیری نمائیم بروید از نویسرکانی ها تحقیق کنید چگونه حربان انتخابات را با شلیک نظامی و کارهای شرم آور دیگر ونشاندن مردم سر جای خوددراثر القاء شبهه پایان بخشیدیم

بلی ماهمیشه نبض ملت را دو دست داریم و از قدرت حکومت چه درزمان گذشته و چه در زمان حال حد اکثر استفاده را نموده وخواهیم نمود چه یک حکومت درهر حال دست رفقای ماوتیجی ورویش ملت در کف باکفایت خودمان است شما باما بیائید و ازاینکه سخنرانی و هزارتبلیغ هرچه زوردارد نسبت برعایای داوی جان وجواب ماامعال وآنان را بحقوق مدنی واجتماعیشان آشنا سازید ماهم بیک طرفه العین بایک مهره ماهرانه بایک اشاره مقامات عالیه فقط بادو نفر ژاندارم همه رشته هارا پنبه خواهیم کرد تنها کسی که اخیرا موی دماغ ما شده و نزدیک بود در اثر اتلاف بامصدقی نانمانرا آجر کند کهبدو این پهلوان

ستون آذربایجان

اعتراض متینک دو هزار نفری

از تبریز

مجلس روزنوشت رهبر روزنوشت دماوند و نو نوشت آذیر رو نوشت ظفر رونوشت فرمان پنج شنبه ۲۶ر۵ر۲۳ متینک مفصل وپر شکوهی در مقابل باغ گلستان حضور چندین هزار نفر داده شده و راجع باعتبار نامه های وحقطلبی آذربایجان و تعقیب مسببین قتل کارگران و ترمیم حقوق وحفظ منافع ایشان و ظلم وتعدی مامورین نظم وژاندارم اطراف کهنست بهرزگران و دهقانان میشود خصوصا بمناسبت انجمن ایالتی که رکن اعظم قانون اساسی است از طرف ناطقین نطقهای پر حرارت بعمل آمد بالاخره از طرف جبهه آزادی تصمیم قطعی اخذ گردیده که در باره موضوع های بالا به مرکز مخابره و جدا از مجلس ودولت تقاضا شود که هرچه زودتر به درخواستهای اهالی آذربایجان ترتیب اثر دادهشود دایرصفائی کوبان شورای متحده کارگران بریا علی زاده کانون دهقانشیدی ولائی اتحادیه دهقانان احمدی اتحادیه کارگران نانوائی مقدس زاده

مسابقه ادبی آژیر

هیئت تحریریه روزنامه آژیر نگارش یک داستان ادبی (نوول) را درخصوص وضع اجتماعی کنونی ایران بمسابقه میگذارد

حکمیت با آقایان ملك الشعراء بهار و سعید نفیسی وصادق هدایت و دکتر شفق و بزرگ علوی خواهد بود

شرایط شرکت در مسابقه

۱ - داستان بیش از یک صفحه روزنامه آژیر نباشد

۲ - بفارسی ساده نوشته شده باشد

۳ - اقتباس یاتقلید از ادبیات بیگانه نباشد

٤ - باخط خوانا روی یک صفحه نوشته شده باشد

یاد آوری : پشت پاکت قید شود . «راجع بمسابقه ادبی آژیر»

جوائز

به نویسندگان سه داستان که درجه اول تشخیص داده شود سه جایزه بنوبت زیر اعطا خواهد شد

جایزه اول ۳۰۰۰ ریال

جایزه دوم ۲۰۰۰ ریال

جایزه سوم ۱۰۰۰ ریال

مدت مسابقه سه ماهست ودر اول آذر مناطق وتا پانزدهم دی نتیجه اعلام میشود .

۲ - ۲

www.iran-archive.com

اخبار کشور

تجمع سفرای کبار در تهران

سفرای کبار ایران در مسکو و لندن ومصر که احضار شده بودند آقای محمود جم سفیر کبیر مصر وارد تهران شدند ولی چون تاکنون سفرای مسکو لندن عزیمت نکرده‌اند ایشان مصمم به بازگشت قاهره میباشند و احتمال میرود دراین‌هفته حرکت نمایند وپس ازعزیمت آقای تقی‌زاده وآقای آهی بایران مجددا بتهران خواهند آمدتا درمذاکرات مربوط بمسائل خارجی وکنفرانسی که درتهران باشرکت هیئت دولت تشکیل خواهد شد شرکت نمایند .

آقای آهی بواسطه کسالت هنوز حرکت نکرده‌اند وآقای تقی‌زاده که تصمیم خودشان را برای عزیمت باطلاع دولت رسانیده اند نیز هنوز حرکت ننموده‌اند وگویا خیال دارند بواسطه کسالت قلبی باهواپیما مسافرت ننمایند

ریاست کل شهربانی

آقای سرپاس عبدالله سیف کفیل اداره کل شهربانی روز گذشته بموجب حکم‌وزارتی بسمت‌ریاست شهربانی کل کشور منصوب گردیدند

در کانون مهندسین

بمناسبت فوت همسر آقای مهندس فریور پریروز از ساعت ۵ تا ۷ بعد ازظهر ازطرف عده از دوستان آقای فریور مجلس تذکری‌درکانون مهندسین منعقد بود که‌عده‌ای از وزراء و رجال ومحترمین ونمایندگان مجلس شورای ملی واستادان دانشگاه در این مجلس شرکت نموده بودند .

در کمیسیون فرعی

پیش از ظهر دیروز کمیسیون فرعی بودجه با حضور آقای مدیر کل ثبت اسناد در مجلس تشکیل گردیدو بودجه تفصیلی اداره کل ثبت مورد رسیدگی ومطالعه قرار گرفت .

کارهای اطلاعات و آمار

طبق دستور وزارت کشوراز این پس کارهای اداره اطلاعات و آمار و انتخابات وزارت کشورتحت نظرآقای لسان سپهر مدیر کل وزارت کشور انجام خواهد شد .

مراسم قرعه کشی

روز جمعه چهاردهم شهریورمراسم قرعه کشی بلیط های بخت آزمائی بنگاه حمایت مادران در محل بنگاه به عمل خواهد آمد

مدیر کل گمرک

آقای احمدعظیم‌رئیس کل بازرسی وزارت دارائی بمدیریت کل گمرک منصوب شده اند .

بجای ایشان آقای دیوبان مدیر کل صنعتی بریاست اداره کل بازرسی و آقای نابان بمعاونت بازرسی بر گزیده شده اند .

در انجمن مبارزه باتریاك و الکل

بیست و اومین جلسه انجمن مبارزه با تریاك والکل پریروز درمحل انجمن تشکیل گردید کامه کار دار سفارت سوئد در موضوع اتحادیه ضد استعمال الکل در سوئد واقدامانی که در آنجا در این زمینه صورت گرفته مطرح گردید و قرار شدعودت همکاری برای اتحادیه ارسال شود و ضمنا گزارش انجمن برای تمام سفارتخانه های کشور دو خارجه فرستاده شود تاوسایل تشریك مساعی برای مبارزه با تریاك والکل بانجمنهای کشور های خارجه فراهم گردد . آقای زرین کفش وآقای کلستانی و آقای رهنما (ازمراغه) قبول عضوت نموده بودند .

وضع اسکناس

بقسمیکه بانك ملی ایران خبرمی دهد وضع بازده روزه بانك که به ۱۵ مرداد منتهی میشود از بابت طلاو نقره و ارز و جواهرات سلطنتی سپرده در قسمت بانکی جمعا مبلغ هشت میلیارد و دویست و دوازده میلیون و چهار صد ونود وپنج هزار و ششصد و هشتاد و چهار ریال و شصت و پنج دینار میباشد

پیشکار دارائی آذربایجان

آقای صفاری بسمت پیشکاردارائی آذربایجان تعیین گردید

انتصاب

آقای تقی بازرس مخصوص وزارت پیشه وهنر بسمت دادستانی دائم دادگاه اداری‌وزارت‌پیشه‌هنر منصوب گردیده‌اند

قهرمانان شنای کشور درمجلس

دیروز ساعت ۱۰ صبح قهرمانان شنای کشور باتفاق آقای شماخ‌سرپرست قهرمانان برای تماشا بمجلس شورای ملی رفته و آنجا را کاملا دیدن‌نمودند و از قرار معلوم امروز بعد از ظهر به بی سیم و استودیو خواهند رفت

جلسه انجمن ملی تربیت بدنی

جلسه انجمن ملی تربیت بدنی که قرار بود دیروز صبح تشکیل شود تادر خصوص مسابقه های قهرمانی کشور و نتیجه مسابقه شنا مذاکراتی بعمل آید به امروز ساعت ۸ صبح موکول گشت

تاسیس انجمن فرهنگی

برحسب دعوت فرماندار بابل روز شنبه ۲۸ مرداد برای تشکیل انجمن فرهنگی ایران و شوروی عده ای از معتمدین محل در فرماندارای حضوریافته بدوا آقای فرماندار راجع‌بحسن‌روابط دوستی ملت و اتحاد جماهیر شوروی شرحی ایراد نموده‌سپس اساسنامه انجمن بوسیله آقای فرهنگی قرائت گردیده برای تعیین هیئت مدیره انجمن شروع به استخراج آراء نموده آقایان پیشنماز رهبند فرماندار - فرهنگی - مهندس کیاه اصرافی شبانه - مؤیدی - پرتوی اوسیاك - سرهنگ اسلامی - دکتر وحیدی امین‌پور - دکتر مقصودلو - شوهزیری - رستگار بسمت هیئت‌مدیره انجمن‌انتخاب شدند که بموجب اساسنامه‌هیئت عامله‌را از بین خود انتخاب نمایند

شامی را هم دیدید چگونه‌وسیله‌بندگان تیمسار وسهیلی‌زمین کوبیدیم - لجوج تر وسرسخت‌تراز غلامرائی رئیس عدلیه ماموری بملایر نیامد این جوان که‌قدرت قانون را مافوق قدرت های شناخته‌همه دیدند‌چگونه‌مانند گوی بشهرستان‌رفت برنمایش گردیم

آری آقای دکتر کشاورز وقتی که دادیار دادگستری اراك را که‌روابط بین ماوملایر بود وخود وفامیلش مانند بهترین‌جاسوس های بزدست باخدمات صمیمانه نموده اند بدادستانی‌ملایر آورده باشیم چگونه میتوان تصور کرددرحبس و توقیف افرادحزب توده تلافی محبت های ماوا نکند ماآقای دکتر کشاورز گربه مرتضی علی‌هستیم هیچگاه بشنان بزمین نیامده است درهر موقع ومقام بهترین سازهای کوك را در اختیار خوددارایم فقط یك چیز است که ممکن است کمرماراشکسته دونیمان کندورا متاسفانه نمیتوانم بشما عرض کنم ولی از قرائن پیدا است که کم کم دارید بآن اشنا میشوید

ملایر • عبدالرسول • ع

مهمترین خبر های جهان

شورش در پاریس

پاریس - بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس‌رادیوی پاریس امروزعصراعلام داشت که در پایتخت فرانسه انقلاب بظهوررسیده‌وفرماندهان آلمان اعلامیه‌زیر را خطاب‌باهالی پاریس صادر کرده‌است اینجا پاریس آگهی مهم - عناصریکه مسئولیت بعهده‌دارند برعلیه زمامداران آلمان اسلحه بدست گرفته‌اند ازاین‌شورش بشدت‌جلوگیری‌خواهدشدومرکه‌ضرورت ایجاب نماید هیچگونه ملاحظه‌ای‌درنظر گرفته نخواهد شد .

من آخرین پیام خودرا باهالی فرستاده و آنان را بارامش دعوت می کنم - تنها اتحاد یك رویه ای هاللانسه میکن است از ریختن خون سنگناهان جلوگیری‌کند وشهررا ازآسیب انهدام مصون دارد نخست آنکه چراغها باید از ساعت ۲۱ تا ساعت ۷ بامداد خاموش باشند پروانه‌های عبور ومرور شبانه از درجه اعتبار ساقط است .

همچنین عبور و مرور هنگام روز ازمناطقی که‌ممکن‌است‌منطقه نظامی‌شوند قدغن میباشد .

بسپاهیان دستور داده شده است که با اسلحه حرکت کنند و بهریك ازاهالی که این دستورات را اجرا ننماید بدون اطلاع تیراندازی کنند .

بالاخره تمام تماشاخانه ها وسینماها ومراکز اجتماعات دیگربایستی بسته‌شود در پنجره ها ایستادن وبلند کردن قدغن است درب منازل باید پیوسته باز باشد حتی شبها اجتماع از سه‌نفر بیالا قدغن است - هرکس اطلاعاتی بدهدن بدهد جاسوس محسوب خواهد شد

دستورات‌زمامداران آلمان‌را باید بی‌چون وچرا اطاعت گردد درصورتیکه برخلاف آنچه گفته‌شد رفتارشود‌سپاهیان اجازه دارند اسلحه استعمال نمایند .

پاریس ۱۰ اوت ۱۹۴۴ - فرمانده آرتش آلمان

این اعلامیه سه بار قرائت‌شد .

•••

لندن - بقرار اظهار خبر گزاری انگلیس اعلامیه‌امروز وزارت هواپیمائی حاکی است که ازهنگامیکه‌غلبانان ما گرفته اند برمی آید که بوم دومین بندر آلمان دوچار سرنوشت هامبورگ گردید .

حمله روز دهم اوت نیروی هوائی انگلستان بسیار شدید بوده است .

یکی دیگر از ژنرال های آلمان بارتش آلمان پیام فرستاد

مسکو - بقرار اظهار خبر گزاری انگلیس رادیوی مسکو روز یکشنبه اعلام داشت که لیوتنان ژنرال سیکت فن آرمین فرمانده بیتهاگشکر ۱۳ پیاده نظام آلمان که سال گذشته دراستالین‌گراد اسیر شد پیامی باتحادیه افسران آلمانی درمسکو فرستاده و دوضمن آن اظهارات مارشال فن پاولوس خطاب بملت آلمان را تائید نموده و از ملت آلمان درخواست کرده که هیتلر را سرنگون سازند وجنك را پایان کنند

آلمانها نیروی کمکی بپل فور

هیگر ستفاد

بورانتوری (مرز فرانسه سویس) خبرنگار ویژه خبرگزاری انگلیس در بورانتوری روز یکشنبه خبر داد که گروه عظیمی ازنیروهای کمکی آلمان بمرز فرانسه وسویس رهسپار شدند و انتظار میرود که بعملیات پر دامنه ای برعلیه قوای داخلی فرانسه مبادرت ورزند . این نیروها کمکی بپل فور رسیده‌اند .

انجمن متفقین برای سازمان دنیا پس از جنك

لندن - خبر گزاری انگلیس اطلاع میدهد نویسنده سیاسی روزنامه صنده تایمز روز یکشنبه چنین نگاشته است که قراردادرد و میارتن - اوك نزدیك واشنگتن یکی از مهمترین انجمن ها برای سازمان دنیا پس از جنك تشکیل میگردد .

نمایندگان انگلیس و امریکا و چین و روسیه شوروی در این انجمن مسئله امنیت را مطالعه خواهند نمود

دولت های امریکا و شوروی‌طرح های خاصی را تسلیم انجمن کرده اند و حال آنکه‌دولت انگلیس‌نیزنوشته‌یادداشت تقدیم کرده است که ازطرف دودولت بزرك دیگر و دولت های متفقین نیز بررسی شده است .

نویسنده سیاسی صنده تایمز با یك‌سازمان دنیا پس از جنك خاطر نشان میکند که از لحاظ کلی عمال دول‌متفق مطابقت دارد یعنی عموما برآیند که بایدیك سازمانی تشکیل‌داد که در حقیقت چندان فرقی با جامعه‌ملل سابق ندارد و مرکب از یك شورای محدود و یك مجمع عمومی وسیع تری است بدیهی است که چهار دولت‌اساس شورای را تشکیل خواهند داد لکن راجع بسایر اعضاء آنوام راجع به‌شماره و طرز انتخاب آنها مختلف است .

مسکو - خبر گزاری شوروی‌اطلاع میدهد حکم فرمانده عالی شوروی به شماره ۱۵۲ که در ۲۰ اوت ۱۹۳۴ درمسکو ازکاخ کرملین صادر شده‌است چنین حاکی است .

رفقا خلبانان - دریا نوردان - کارکنان مسلسل سنگین - متخصصین و مهندسین وکارشناسین هوافسران وژنرال های نیروی‌هوائی مامور حمله وبمباران واکتشافی بمناسبت جشن نیروی هوائی شوروی‌بهمه شماها تبریك گفته وموفقیت های شما را در نبرد بر علیه مهاجمین آلمانی خواهانم .

نیروی هوائی شوروی با کمك به نیروی زمینی ارتش سرخ نبرد سختی‌را برعلیه فاشیست های آلمانی ادامه داد وضربت های هولناکی به قطرات ومواد جنگی ومهمات وخطوط ارتباطی دشمن وارد آورده است .

کار صبیانه کارگران زن ومرد و مهندسین شوروی بما اجازه داده است که به نیروی هوائی آلمان بر تری حاصل نموده ومساعدت های شایانی به قوای نظامی وهوائی و نیروی دریائی ارتش سرخ بنمائیم .

خلبانان ما درطی نبرد های هوائی برعلیه دشمن ابراز دلاوری و شجاعت بی نظیری نموده و در عملیات هوائی فرماندهان ورزمای نظامی تسلط نظامی خویش را بر دشمن ثابت نمودند . در نتیجه نیروی هوائی ما اکنون در هوا برتری وتسلط بر نیروی دشمن رابدست آورده است .

هزاران خلبان ودریا نورد ونیرو اندازمسلسل سنگین‌سبب ازدیاد موفقیت های قوای زمینی ما گردیده ودشمن را چه دوهزار وچه دوزمین مغلوب میسازند اینك بنگارش موفقیت های نیروی هوائی ما چنین فرمان میدهیم امروز روز ۲۰ اوت وچنین نیروی هوائی‌است ساخت هدف‌بنام میون‌وبنام میون وپایتخت میون ما مسکو بوسیله ۳۰ شلیك ۱۲۴ توپ بخلبانان ما تبریك گفته شود .

اعضاء شاهد اتحاد جماهیر شوروی استالین فرمانده کل نیروی شوروی

رادیوی‌لهستان‌آزاددر لندن شنیده‌میشود

لندن - خبر گزاری انگلیس‌اطلاع میدهد روزنامه سیاسی روزنامه صنده تایمز روز یکشنبه چنین نگاشته است که قراردادرد و میارتن - اوك نزدیك واشنگتن یکی از مهمترین انجمن ها برای سازمان دنیا پس از جنك تشکیل میگردد .

نمایندگان انگلیس و امریکا و چین و روسیه شوروی در این انجمن مسئله امنیت را مطالعه خواهند نمود

دولت های امریکا و شوروی‌طرح های خاصی را تسلیم انجمن کرده اند و حال آنکه‌دولت انگلیس‌نیزنوشته‌یادداشت تقدیم کرده است که ازطرف دودولت بزرك دیگر و دولت های متفقین نیز بررسی شده است .

نویسنده سیاسی صنده تایمز با یك‌سازمان دنیا پس از جنك خاطر نشان میکند که از لحاظ کلی عمال دول‌متفق مطابقت دارد یعنی عموما برآیند که بایدیك سازمانی تشکیل‌داد که در حقیقت چندان فرقی با جامعه‌ملل سابق ندارد و مرکب از یك شورای محدود و یك مجمع عمومی وسیع تری است بدیهی است که چهار دولت‌اساس شورای را تشکیل خواهند داد لکن راجع بسایر اعضاء آنوام راجع به‌شماره و طرز انتخاب آنها مختلف است .

مسکو - خبر گزاری شوروی‌اطلاع میدهد حکم فرمانده عالی شوروی به شماره ۱۵۲ که در ۲۰ اوت ۱۹۳۴ درمسکو ازکاخ کرملین صادر شده‌است چنین حاکی است .

رفقا خلبانان - دریا نوردان - کارکنان مسلسل سنگین - متخصصین و مهندسین وکارشناسین هوافسران وژنرال های نیروی‌هوائی مامور حمله وبمباران واکتشافی بمناسبت جشن نیروی هوائی شوروی‌بهمه شماها تبریك گفته وموفقیت های شما را در نبرد بر علیه مهاجمین آلمانی خواهانم .

نیروی هوائی شوروی با کمك به نیروی زمینی ارتش سرخ نبرد سختی‌را برعلیه فاشیست های آلمانی ادامه داد وضربت های هولناکی به قطرات ومواد جنگی ومهمات وخطوط ارتباطی دشمن وارد آورده است .

کار صبیانه کارگران زن ومرد و مهندسین شوروی بما اجازه داده است که به نیروی هوائی آلمان بر تری حاصل نموده ومساعدت های شایانی به قوای نظامی وهوائی و نیروی دریائی ارتش سرخ بنمائیم .

خلبانان ما درطی نبرد های هوائی برعلیه دشمن ابراز دلاوری و شجاعت بی نظیری نموده و در عملیات هوائی فرماندهان ورزمای نظامی تسلط نظامی خویش را بر دشمن ثابت نمودند . در نتیجه نیروی هوائی ما اکنون در هوا برتری وتسلط بر نیروی دشمن رابدست آورده است .

هزاران خلبان ودریا نورد ونیرو اندازمسلسل سنگین‌سبب ازدیاد موفقیت های قوای زمینی ما گردیده ودشمن را چه دوهزار وچه دوزمین مغلوب میسازند اینك بنگارش موفقیت های نیروی هوائی ما چنین فرمان میدهیم امروز روز ۲۰ اوت وچنین نیروی هوائی‌است ساخت هدف‌بنام میون‌وبنام میون وپایتخت میون ما مسکو بوسیله ۳۰ شلیك ۱۲۴ توپ بخلبانان ما تبریك گفته شود .

اعضاء شاهد اتحاد جماهیر شوروی استالین فرمانده کل نیروی شوروی

چاپخانه داد

آزبر

صد کلمه راجع به

ناسزاهای آقای محمد مسعود

بقیه از صفحه اول

شما می‌توانستید یک نویسنده ای باشید که ملت از قلم‌تان استفاده‌های بزرگی بکند. شما را وادار کردند آن را شکسته کثیف و بدنام بکنید

خودتان می‌دانید که من به ترتیب سرتیپ کریم قراتلو و سپهبد وانقلیچ ارادتی ندارم اگر جایش بیفتد از شردن ممات اجتماعی و کار های بدشان هر گز خودداری نخواهم کرد. ولی شما از حدود روزنامه نویسی خارج شده‌اید

بشما چه مربوط است از تعزیه خون سرتیپ قراتلو چه نتیجه به دست خواهد آمد و بشما چه پدر سپهبلی چه جرمی کرده است. تازه سپهبلی چرا باید مسئول جرم و جنایت پدرخود باشد شما از کجا می‌دانید پدران بنده و شما کارهای ناشایستی نکرده‌اند؟

اگر خدا نکرده پدر شما یک مرد کناهکار بود آیا جامعه حق داشت بشما حق زندگی ندهد؟

خودتان بهتر می‌دانید که روزنامه نویس تا چه حدی می‌تواند آزاد باشد. و این آزادی را آقای مسعود شما نگرفته اید حتی برای آن کوچکترین زحمتی هم متحمل نشده‌اید حق ادارید از آن سوء استفاده بکنید.

چرا این همه مسائل عمومی را فراموش کرده بخصوصیات زندگی اشخاص وارد می‌شوید؟

بحث درامور خانوادگی اشخاص بمن وشما مربوط نیست. شما باقانی که دستان افتاده است نباید زور بگوئید حق اشخاص را که درکار های عمومی دخالت ندارد پایمال بکنید

ممکن نیست میان اشخاصی که بی‌جهت مورد فحش شما واقع شده اند آدم متعصب وهدیدی پیدا نشود کاری ضد شما بکند که برای عالم مطبوعات رشکنگی باشد.

اگر فقیده ما را می‌خواهید؟ ما می‌گوییم خانمین وزور گویان و سوء استفاده چی‌ها ودزدان وسخنطبین همه و باید اعدام کرد. ولی شخصیت آنها باید محترم باشد. حتی قاتلین و جانیان ادبی راهم نباید تحقیر کرد. قانون ای هرجنایتی مجازات و کیفری قائل شده است بالاتر ازآن خود جرم بوده ست که مجازات داود هیچ قانونی نمی‌تواند بجرم را باید توهین کرد و سزا گفت.

حتی محکومین باعدام را هم در این کار استثنا نکرده اند.

ناموس وحیثیت هر کس محترم است قانون باید ازآن حمایت بکند.

ملت فحش‌خور ملت سرزنش شنیده ئی که آبرو وشرف اورا هر کس واند لکه‌دار بکند آن‌ملت هر گز روی سعادت نخواهد دید.

آقای مسعود شما اگرزن وفرزند شته باشید قطعاً می‌توانید مقاله ایکه حق سرتیپ کریم قراتلو نوشته در اره ۲۶ مرد امروزتان منتشر کرده د بدست آن ها بدهید اگر ان را بکنند اجازه بدهید بگویم آدم ش اخلاقی نیستید بناموس وحیثیت د پای‌بندی ندارید. چنین آدمی نمی اند در امور اجتماعی دخالت بکند

آقای مسعود خودتان‌هم‌می‌دانید که در خانه‌های عمومی نزد مردمان‌هرجائی هم حرفهائی که شما دو مرد امروز بکار میبرید زده نمیشود.

این‌چه‌روشی است که شما بکسرتیه پیش گرفتید با این‌روش واین زبان‌و این بیان تصور نمیکنم بتوانید بمنظور خود برسید راهی که‌شما پیش گرفته‌اید از تر کستان‌هم آن‌طرف‌تر است

برای چند دقیقه کلاه خودرا قاضی بکنید آیا می‌توانید بگوئید.

اگر تمام روز نامه ها رویه شما را پیش بگیرند تمام مردم این شهرا بکار میبرند زبان فارسی چه شکلی پیدا خواهد کرد؟ و بیگانگانی که نوشته های ما را خوانده و گفتگوی ما را می شنوند درحق ما چه خواهند گفت؟

امر بخودتان هم مشتبه شده خیال میکنید مرد متهوره و جسوری هستید. شاید از شجاعت وتهور عاری هم نباشید ولی مرد امروز شما را اینطور نشان نمیدهند. مخصوصا ازوقتی که درمجلس پناهنده شدید مردم‌نسبت بشجاعت وتهور شما تردید پیدا کردند. یا این حرکت بی رابط خودرا یک آدم جبون وترسو وبیکی معرفی نمودید.

خیال میکنید اشخاصی که شما را باین قبیل کارها تشویق میکنند دوستان صدیقی هستند اشتباه میکنید اینها شما را دست اندازاته باشند هایتان رامیکشند که سرتیکون بشوید آنوقت بریشتان خندیده بگویند آدم احمقی بود.

این بلا سر خود من آمده است بیست وپنج سال پیش روز های اول بیا وبرو رضا خان بود آنروز من در روزنامه حقیقت چیز مینوشتم. شاعت وحملات من بمراتب شدید تر ازمال شما بود (البته فحش وناسزای شما را نمی توانستم بکار ببرم) ولی تند مینوشتم صفحه حمله میکردم مردم هم روز نامه حقیقت را باتوجه وحرارت فوق العاده ای استقبال میکردند تک فروشی آن از مجموع روز نامه های تهران بمراتب زیاد تر شده بود. یک روز مردی که هنوز هم زنده است بدون مقدمه نزد من آمده گفت شما بی تند میروید کول مردم را نخورید اینها آدم را تشویق کرده به بای دار میبرند در آنجا جزو تماشا چیان ایستاده میگویند آدم احمق ودیوانه ای بود.

من نتیجه گفته این مردرا بچشم جان خود مشاهده کرده ام.

آقای مسعود شما خیال میکنید با شاه سابق غیر از این معامله را کردند.

بی شوخی میگویم آقای مسعود من هم باوجود ارادتی که بشما دارم نسبت بموازنه عقلی شما دراین اواخر تردید پیدا کرده ام. اگرچه حرف و تهمت هائی را که درحقتان زده میشود باور ندارم ولیتوانم باور کنم شما نویسنده تفریحات شب یک آدم ماجرا جو وفتنه انگیزی باشید ویخواهید دانسته وفهمیده بدست دشمنان آزادی مطبوعات بهانه بدهید یا غدا نکرده دردست مرتجعین آلت شده باشید.

من صاف وبیوست کننده بشما می گویم در مقاله هایتان آن مغز و معنی که انتظار داشتم پیدا نمیکنم حرف هایتان بسیار مبتذل و انکارنان عامیانه است. مرد امروز بروی شما نمیافتد عبارات وکلمات خنک سرد و بیمزه افتاده و ابتذر تکرار کردن‌برای یک نفر زورنالیست تحصیل کرده عیب و نقص غیر قابل پوزش است.

مخصوصا در اظهار غرض که معرکه میکنید در صورتی که خودتان برای روزنامه نویسان اصال غرض را بزرگترین آفتها میدانستید.

و بخود من حتی ایراد میگرفتید. شما بافحش وناسزا بسپهبلی وقواناو وامثال آنها خدمت میکنید. زیرا دو خواندن مقالات شما انسان احساس می کند که در حق کسان آنها ظلم وتعدی میکنند. این مظلومیت بنفع آنها تمام میشود.

شما مگر نمیگوئید اینها مجرم هستند؟

چه مانعی دارد به خود زحمت داده جسورم های آن ها را تحقیق نموده رخشان بکشید تا مردم به بینند شما دارید خائنین را بآنها معرفی میکنید. دراین شماره آخر یک مقاله انتقادی که برعلیه مقالهای نوشته شده است چاپ کرده ایم و یک آدم معمولی که هیچ ادعای نویسندگی ندارد قلم آورده است شما یک حرف رکیک و یک کلمه زننده در آن پیدا نمیکنید ولی خورد کننده محکم منطقی وقوی است نه تنها ملک مدعی بلکه تمام مجلسیان جمع بشوند یک کلمه موهن توی آن پیدا نخواهند کرد ولی برای ملک مدعی کننده وکمرشکن است

تصدیق میفرمائید کهاین‌قبیل مقالهها زحمت واطلاعات میخواهد و شما نمی خواهید این زحمت را بخود بدهید از راه آسان دخل شاه میخواهید باشد کلمات زننده توجه خوانندگان را جلب بکنید.

شاید میخواهید بگوئید بحرف حسابی کسی گوش نمیدهد فرق نمیکند فحش های شما را هم کسی اهمیتا ندارد

آقای مسعود شما خودتان میدانید که من نسبت بشخاصی که شما فحش می دهید حب وبغض شخصی ندارم اصلا من اغراض شخصی را هیچ وقت به مسائل عمومی دخالت نمیدهم. من همان کاری را که باشما کرده ام باز کرده است شما فحش داده بودید و روزنامه تان را توقیف کرد، روزنامه آخر را اصلا حق هم نداده بود روز شما گرفتار شد.

من منظورم چیز دیگر هست من میگویم آبرو وحیثیت مطبوعات باید مراعات شود. صفحه روزنامه، جاهای کثیف عمومی نیست که هرعبارت زشت وکثیف را دوآن بدون مسئولیت بشود بکار برد.

قسمتی ازعقاید شما را قبول‌دارم. ولی طرز بیانتان واقعا حرف ملت است انسان ازخواندن عبارات زشت وکیک شما حسابی میشود از کثافات بدش می آید میخواهد قلم را بدست بگیرد مانند خودتان هرچه دستش بیاید بر ضدتان بنویسد.

کدام جهنم‌دره این فحش‌او سی را بشما یاد داده‌اند؟

از کدام قاموس از ادبیات کدام ملت کوفتی توانستید این کلمات تنفر آورا اقتباس بکنید؟

آقای مسعود من بخواه شما بیستم ولی بمطبوعات وجامعه علاقه دارم

شما نمی توانید بدانید من ساعوای سال برای پیدا کردن دو انگشت کاغذ باطله یک سانتیمتر مغز مصاد چه زحمت ها کشیده ام، شما را وقتی می بینم بدست دشمنان آزادی بهانه میدهید از حال طبیعی خارج میشوم

من گفتنی زیاد دارم شما قوت پیدا بکنید دست را بدست بگیرید سهولی ها وکم نوعها را بدور بیاویزید ولی من اگر قدرت پیدا کردم اشخاص بیدادگری را که برای خاطر یک پول پاپسر جنایتکار آن وفرزند بیگناه آنها را تحقیر وتوهین میکنند بامختر ترین کیفرها تنبیه خواهم کرد

زیرا هیچکس مثل من مزه تلخ این بیدادگریها را چشیده است. شما نمی توانید بفهمید که این اخلاق کثیف آسیائی یعنی‌تحقیر وتوهین وتخفیف‌مسئولین بی گناه مجرمین‌چه‌اثرات شومی‌دارد

آقای مسعود شما معلوم می شود آدم خطرناک و بیدادگر معنوفی هستید هنوز زور پیدا نکرده مظلوم کش می کنید هنوزدستتان بکاری بند نشده هدید ترین نوع دیپلوتوم آسیائی را تشویق می نمائید.

این جنایت اخلاقی اگر در جهنم دره‌ایکه شما میخواهید اصلاحش بکنید هم‌رمیت پیدا بکند آیا می دانید چه خواهد شد؟

شما بدین وسیله اجازه می دهید وقتی روزنامه مرد امروز را توقیف کردند بخانه تان وبخانه تمام کسان و منسوبا تازرا اسیر نموده بیعیب بفرستند زیرا بعقیده شما برای جرم وگناه یک فرد تمام نزدیکان اورا هم باید مجازات بکنند.

آقای مسعود شما باقرار و تحسین در مجلس خود را ناجوانمرد وترسو معرفی کردید آدم ترسو و ناجوانمرد دیگران را نمی تواند بجوانمردی و شهامت دعوت بکند

من این مقاله بالابلند رامخصوصا نوشتم عقیده من اینست تمام روزنامه ها باید بنویسند تاراه غلطی که شما می خواهید درهالم روزنامه نویسی باز کنید مسدود بشود.

تا ما خودمان را اصلاح نکنیم دیگران را نمی توانیم اصلاح بکنیم. شاید من هم هزار عیب وایرادی داشته باشم یه عیب دارد باید همکاران من بطوری‌غرضانه بنویسند وما را بطوری که خودم احساس نمیکنم خبردار کنند

www.iran-archive.com

از مطبوعات خارجی -۲-

مسئله نفت عربستان

دولت امریکا به موضوع تهیه نفت اهمیت خاصی میدهد و از واقعه ذیل عنوان توجه آن دولت را باین‌مسئله‌استنباط کرده. در اواخر ماه ژوئن ۱۹۴۳ بنگاه‌مخصوص‌دولتی راجع به ذخایر نفتی بعنوان (پترولئوم‌ریزرو رای کوپوریشن) در امریکا تاسیس گشت و هارولد ایکس وزیر کشور امریکا که در عین حال سمت مدیریت امور نفتی را در زمان جنگ دارا میباشد در راس این بنگاه قرار گرفته. اعضاء این بنگاه عبارتند از وزیرخارجه هل - وزیر‌متک‌انتیمون مدیر اداره عملیات اقتصادی امریکا در خارجه کروفولی.

هدف ان بنگاه عبارت است از تحصیل منابع نفتی در خارج از حدود امریکای شمالی. این بنگاه حق دارد باستخراج‌نفت و حمل آن و احداث لوله های نفت و تصفیه خانه ها بپردازد.

در زمانی که بنگاه نامبرده هنوز در شرف تشکیل شدن بود نوکس وزیر دریا داری اظهار داشت مذاکرات‌مهمی که بزودی فاش شود در باره‌منابع نفت در خارجه جریان دارد و از فحوای کلام او بر میامد که منظور کواوپیتا و ونزوئلا و نواحی دیگری کام استخراج مهمی بعمل نمیباشد.

تشکیل بنگاه ذخایر نفتی خود باعث‌خوف‌و هراس بعضی از محافل گشت مثلا روزنامه پترولئوم جایش چاپ در لندن در شماره ۲۱ اوت ۱۹۴۳ خود چنین وقت : در زمان جنگ تشکیل‌این بنگاه جالب توجه ترین حادثه‌است که در زمینه اقتصاد نفتی جهان بوقوع پیوسته باشد. دستجات معظمی که در امر نفت ذینفعند با توجه کامل و شاید هم با نگرانی عملیات این بنگاه را تحت مراقبت قرار خواهند داد زیرا این بنگاه چنان وسایلی را در اختیار دارد که اگر در استفاده از آن لغزش حاصل کنند ممکن است بعد از جنگ‌معضلات و مشکلاتی تولید سازد. تا کنون چیزی که از وجود این بنگاه سخن گوید ظاهر نگشته است.

چنانکه وقایع بعدی نشان داد منظور نوکس‌وزیر دریاداری امریکاعلی‌الظاهر عربستان سعودی بود در سال ۱۸۳۳ شرکت امریکائی استاندارد اویل کمپانی آف کالیفورنی درناحیه الاحساء تحصیل امتیازی موفق گشته‌بود.در سال ناحیه این‌امتیاز توسعه‌پیدا کردو اکنون شمال خاک یک‌کشوری که ۵۵ هزار میل مربع وسعت داشته باشد میگردد و مدت امتیاز شصت سال است. فعلا میزان استخراج ازوروزی‌بیست هزار جلیک تجاوز نمیکند.

چیزی از نام‌تحصیل امتیاز نفت عربستان سعودی‌توسط‌استاندارداویل آف‌کالیفرنی نگذشت که‌یک شرکت دیگرآمریکائی‌موسوم‌به هالف‌اکسپلوریش کمپانی امتیاز نفت کویت را بدست آورد وبنا باصرار دولت انگلستان شرکت نفت ایران وانگلیس نیز دراین امتیاز آخر شریک شد.

اکنون عربستان واکمر بندی از امتیازات نفطی که‌بدست شرکت های مختلف افتاده است محصور کرده و شرکت های مزبور روابط نزدیکی با شرکت‌ایرانگ‌پترولئوم کوربوریشن‌دارند(ناحیه قطارو سواحل‌تروشان‌وتمام‌سواحل دریای سرخ) باضافه امتیازاتی در سوریه ولبنان‌و در امتیازدیگر درخودعراق تحصیل شده است.

این مسئله که‌در ناحیه امتیازات امریکائیها شروع باستخراج کرده و در نواحی امتیازات الخبرالذکر هنوز باید حفاری بعمل آید وضع‌را تغییر می دهد زیرا صرف نظر ازاین‌منابع اضافی میتوان استخراج نفت رادر ناحیه‌امتیاز ایران‌و انگلیس و دایرانگ پترولئوم کور پوریشن‌توسعه داد.

اولین اقدام عملی بنگاه ذخایر نفطی امریکا عبارت است ازطرح احداث لوله نفت درعربستان سعودی

در هشتم فوریه ایکس نماینده بنگاه اعلام داشت که دولت امریکا قصد دارد لوله نفتی بطول قریب ۱۲۰۰ میل از نواحی‌خلیج فارس تا بخش‌خاوری مدیترانه ساختن این لوله در حدود یکصدوسی الی یکصد وشصت پنج میلیون دولار تمام میشود. بالنتیجه برای حوالج ارتش و ناوگان امریکا ذخائر مکشوفه ای بمقدار اقلا یک میلیارد جلیک نفت بطور دائم در اختیار دولت آمریکا خواهد بود.

ایکس ضمنا تذکر داد که پیمان‌های مربوطه بین بنگاه مزبور وشرکت‌های نفتی امریکا که امتیازاتی در عربستان سعودی و کویت بدست آورده‌اند منعقد گشته است وپیمانها از موقتی رسمیت خواهد داشت که دولتین عربستان سعودی و کویت آنرا تصدیق نمانند.

بقیه دارد